

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرکه، سرماخوردگی، آنفلوآنزا و زکام باعث گیجی ناخواسته می شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه رو کند.

ذره بین

مردی که از روی نقشه به گنج لوسانات رسید



شهروند | ۴۰ سال دارد، در حیاط پلیس پیشگیری پایتخت در کنار دیگر تبهکاران ایستاده و خود را بی گناه می داند؛ اما متهم است، متهم به سرقت سکه های قدیمی ساسانی و مهره مار. مرد جوان پیش از این هم سابقه داشته است؛ سابقه سرقت دیگری در پرونده سیاه کبیری اش. او سگ گرانقیمتی را در دیده بود و زندانش را هم کشیده بود اما پس از آزادی نقشه گنج یابی به سرش می زند. احمد به خبر نگار «شهروند» می گوید: «نقشه گنج را از یکی از دوستانم خریدم. قیمتش خوب بود. خیلی تبلیغ این نقشه را کرده بود. اطمینان داده بود که به گنج می رسم. من هم با او شرط کرده بودم اگر به گنج نرسیم، پولم را پس می گیرم. چند روز بعد رقم به نقطه ای که در نقشه اشاره کرده بود، منطقه لوسانات بود. همانجا با گنج یاب و تجهیزات توانستم محل دقیق گنج را پیدا کنم. حفاری کردم، گودال عمیقی به وجود آمد و در تاریکی شب بود که به سکه های قدیمی و مهره مار و یک کوزه رسیدم. باورم نمی شد که به همین سرعت این گنج را پیدا کرده باشم. سوار خودروام شدم و به خانه برگشتم. چند روزی داشتم به دنبال یک خریدار می گشتم که بتوانم گنج ها را به فروش برسانم. در آخر یک نفر را پیدا کردم و قرار گذاشتم. همانجا بود که متوجه شدم ارزش این گنجی که پیدا کردم، زیاد است. او قیمت مهره های مار را بیش از ۱۰۰ میلیون تومان تخمین می زد. تصمیم گرفتم که مشتری های بیشتری پیدا کنم تا پول بیشتری به دست بیاورم اما بار دوم وقتی قرار گذاشتم تا کوزه قدیمی را بفروشم، دستگیر شدم.

سناریوی سرقت لباس شب های گرانقیمت



شهروند | سه مرد جوان تصمیم گرفتند از مزون لباس های زانه سرقت کنند. مزون هایی که می دانستند لباس شب های گرانقیمتی در آن جا به فروش می رسد. شبانه به این مزون ها حمله می کردند و لباس ها را می دزدیدند. دوربین مدار بسته ها را هم با خودشان می بردند تا شناسایی نشوند. اما درست وقتی که چند دست از این لباس ها در خودرویشان بود، دستگیر شدند.

چند روز پیش بود که عوامل کلانتری ۱۳۱ شهری، هنگام گشتزنی به یک خودروی پژو ۴۰۵ که دو سر نشین داشت مشکوک شدند. آنها در بازرسی از این خودرو، چند دست لباس شبیک زانه کشف کردند. در ادامه مشخص شد که این لباس ها سرقتی است و چند شاکی نیز در این پرونده وجود دارد. برای همین این دو نفر دستگیر شدند و در بازجویی از آنها راز سرقت های سریالی از مزون های لباس فاش شد. سارقان اعتراض کردند که در محله های شمال تهران، بخصوص قلهک، از مزون های لباس زانه دزدی می کردند. یکی از این دو سارق در بازجویی ها گفت: «ما سه نفر بودیم. در محله های شمال تهران، بخصوص قلهک گشت می زدیم و مزون های لباس را شناسایی می کردیم. بعد در یک فرصت مناسب، شبانه به مزون می رفتیم و وارد آن جا می شدیم. بعد هم هر چه لباس گرانقیمت و شیک بود سرقت می کردیم. البته برای شناسایی نشدن تصویرمان، دوربین مدار بسته را هم شکسته و یا خودمان می بردیم. از آنجایی که می دانستیم این لباس ها کلی ارزش مالی دارند تصمیم به سرقت از مزون های لباس گرفتیم. هر کدام از لباس های سرقتی هم بالای یک میلیون تومان ارزش داشت.»

با اعتراض این متهمان، آنها روانه زندان شدند و تلاش پلیس برای شناسایی و دستگیری نفر سوم این باند آغاز شد.

تخریب خودرو توسط کیک بوکس کار طلبکار



شهروند | همه چیز از ۸۰۰ هزار تومان پول قرضی شروع شد. پسر کیک بوکس کار وقتی دید دوستش پول قرضی را پس نمی دهد، عصبانی شد. اما عصبانیتش را به طرز عجیبی نشان داد. او به خانه بدهکارش حمله کرد. با قمه هر چه خودروی مدل بالا و گرانقیمت در مقابل این خانه بود را تخریب کرد و متواری شد. او با قمه به جان خودروی، بی ام، سوئانا، سورتو، سراتو، ۲۰۶ و پراید افتاد و آنها را خراب کرد. از این که نمی توانست پولش را از مرد نمایشگاه داریس بگیرد، خشمگین بود برای همین چنین نقشه ای را کشید. اما تصورش اشتباه بود. او به جای این که خودروهای مرد نمایشگاه دار را تخریب کند، خودروی همسایه ها را خراب کرد. این پسر روز شکار از ماجرای این کار عجیبش به «شهروند» گفت.

- چند سال داری؟ ۲۵ سال
- ورزشکاری؟ بله. کیک بوکس کار می کنم. مدال هم آورده ام.
- چه مدالی؟ مدال طلای استانی می خواستم و در مسابقات کشوری هم بشوم.
- چرا دستگیر شدی؟ با قمه ماشین چند نفر را تخریب کردم.
- چرا؟ عصبانی بودم. پولم را پس نمی دادند. نمی دانستم باید چکار کنم. آن قدر عصبی شدم که دست به این کار زدم.
- چقدر پول بود؟ ۸۰۰ هزار تومان. مبلغش مهم نبود. اما رفتار دوستم که به او اعتماد کرده بودم مرا عصبی کرد. خیلی راحت می گفت پول را پس نمی دهد. من چون به واسطه یکی از دوستان صمیمی ام به او اعتماد کرده بودم، دستم به جایی بند نبود. وقتی دیدم خیلی راحت می گوید پولم را نمی دهد تصمیم به این کار گرفتم.
- قمه را از کجا آوردی؟ از زنجان به قیمت ۳۰ هزار تومان خریدم. البته از قبل این قمه را خریده بودم. می دانستم روزی به آن نیاز پیدا می کنم.
- چند ماشین تخریب کردی؟ ۶ ماشین بود. بی ام، سورتو، سوئانا، سراتو، ۲۰۶ و پراید.
- همه این خودروها برای دوستت بود؟

نه من اشتباه کردم. تصور می کردم برای او است. اما همه آنها برای همسایگانم بود. چرا فکر می کردی این همه خودرو را او است؟

چون او نمایشگاه اتومبیل داشت. فکر می کردم این خودروها را برای فروش مقابل خانه اش پارک کرده. ولی اشتباه کرده بودم. در یک لحظه آن قدر عصبانی شدم که اصلاً به عواقب کارم فکر نکردم. فقط می خواستم عصبانیتم را احوالی کنم.

- یعنی نمایشگاه ماشین داشت، اما ۸۰۰ هزار تومان پول تو را پس نمی داد؟ خشم من هم به خاطر همین بود. او پول داشت. اما نمی خواست پول مرا پس بدهد.
- چرا از تو قرض گرفته بودی؟ فوری پول لازم داشتم. دوست صمیمی ام واسطه شد. من هم تصور می کردم که پولم را پس می دهد. امانداد.
- شغل خودت چیست؟ من هم در نمایشگاه ماشین کار می کنم. ولی نمایشگاه برای خودم نیست.
- سابقه داری؟ سه بار به جرم درگیری دستگیر شده ام. البته یک بارش تصادف منجر به مرگ بود. برای هر کدام از سابقه هایم، ۶ ماه، یک سال و یک سال و نیم به زندان افتادم.

کودک ۶ ساله در یکی از سرراهی محله منطقه ولنجک مورد تجاوز قرار گرفت. مهشید موقر، معاون امور اجتماعی بهزیستی استان تهران در رابطه با این حادثه گفت: «در حال حاضر پرونده های در شعبه ۱۲ دادگاه کبیری در جریان است و این موضوع از طریق سیستم قضائی در حال پیگیری است.»

وی با بیان این که حادثه رخ داده در یکی از «سرراهی محله» منطقه ولنجک بوده است، اظهار کرد: «اورژانس اجتماعی وارد این «سرای محله» شده و بررسی های لازم را انجام داده. اما با این وجود مستنداتی در مورد حادثه رخ داده به دست نیاورده است.»

به گفته موقر، اورژانس اجتماعی هفته گذشته به سیستم قضائی نیز مراجعه کرده. اما گفته شده که هنوز امکان از این اطلاعات مربوط به این پرونده معرفی خانواده کودک به اورژانس اجتماعی وجود ندارد. وی همچنین گفته است: «جز بیات مهد کودک متخلف قطعاً در پرونده و در سیستم قضائی وجود دارد، اما بر اساس آخرین اطلاعاتی که کسب کرده ام این اتفاق در مهد کودک که دارای مجوز فعالیت از سازمان بهزیستی باشد، نیفتاده و این مهد کودک غیر مجاز بوده است.»

پسران ساده لوح طعمه سرقت دی جی متین و نازنین



شهروند | چند سال پیش بود که در یک پارتنی شبانه با هم آشنا شدند و بعد از آن با عضویت در یک باند سرقت تبدیل به دزدان حرفه ای شدند. پسر دی جی و دختر جوان بعد از سرقت های سریالی شان از خانه ها این بار تصمیم گرفتند که شگردشان را تغییر دهند. آنها بعد از آزادی از زندان تیم دو نفره ای تشکیل دادند؛ هدفشان سرقت از خانه های پسران جوان بود. نازنین در شبکه های مجازی و خیابان ها پسران را فریب می داد و بعد از ورود به خانه های شان، نقشه سرقت های خشن این باند دو نفره کلید می خورد. متین با ترغیبی خاص وارد این خانه ها می شد و به همراه همدستش قربانیان خود را کتک می زد، آنها را در اتاق حبس می کرد و دست به سرقت می زد. آنها حالا بعد از ۶ ماه سرقت از سوی مأموران کلانتری ۱۲۷ نارمک دستگیر شده اند و در حیاط پلیس پیشگیری تهران جزئیات سرقت های شان را فاش کردند. پسر جوان در گفت و گو با خبرنگار «شهروند» از ماجرای سرقت های هاش گفت.

- چند سال داری؟ ۲۷ سال.
- شغلت چیست؟ دی جی هستم؛ در میهمانی ها و پارتنی ها آهنگ می گذارم و می خوانم.
- چی شد که سارق شدی؟ نخستین بار وارد یک باند سرقت شدم. یکی از دوستانم به من این پیشنهاد را داد. با نازنین موضوع را مطرح کردم و او هم قبول کرد. وارد باند پنج نفره ای شدیم و از طریق تخریب قفل در از خانه ها سرقت می کردیم.
- بعد چه شد؟ به زندان افتادیم. نازنین آن زمان نوجوان بود و دو سال در کانون اصلاح و تربیت ماند. من هم دو سال زندانی شدم.
- بعد از آزادی از زندان چه کار کردی؟ دوباره به سراغ شغلم رفتم و کارم را ادامه دادم اما در آمدنم زیاد نبود؛ برای همین دوباره با نازنین تصمیم به سرقت گرفتیم ولی این بار شگردمان را تغییر دادیم.
- با چه شگردی سرقت می کردید؟

نازنین در تلگرام و اینستاگرام و حتی در خیابان با پسرهای پولدار دوست می شد. او به آنها می گفت که هنر پیشه است و کار موسیقی هم می کند؛ با این حرف ها خودش را یک دختر هنرمند نشان می داد. بعد از طرح دوستی و چند قرار در خیابان به خانه آنها می رفت، وقتی در خانه بود کلید آن خانه را می دزدید که سر فرصت سرقت کنیم و یا همان زمان اگر محیط امن بود، در را باز می گذاشت و من وارد خانه می شدم. در آن جا من پسر جوان را کتک می زدم و با نازنین او را در اتاق حبس می کردیم. دست و پایش را می بستیم و بعد هم سرقت می کردیم.

- معمولاً چه چیزهایی را سرقت می کردید؟ پول و طلا و وسایل گرانقیمت مثل ساعت. یک دوربین قدیمی هم سرقت کردیم که ارزش مالی زیادی دارد.
- چند وقت است که سرقت می کنید؟ ۶ ماهی می شود.
- از چند نفر با این شیوه سرقت کرده اید؟ دقیقاً یاد من نمی آید.
- با نازنین کجا آشنا شدی؟ چند سال پیش بود. در یکی از میهمانی هایی که من دی جی بودم، نازنین هم بود؛ آن جا با هم آشنا شدیم.



کشف محموله های عجیب مواد مخدر ایرانی در راه اروپا

غیر عادی دیده نمی شد، اما مأموران پلیس با کمک اداره مبارزه با مواد مخدر موفق به شناسایی تعدادی از این محموله ها و دستگیری چند نفر از قاچاقچیان شدند. به گفته پلیس، فقط در دو کیف کوچک صنایع دستی نزدیک به ۳۰۰ گرم شیشه و چیزی در حدود ۷۰۰ گرم تریاک به این شکل جاسازی شده بود. افسر این پرونده در توضیح بیشتر درباره این شگرد عجیب قاچاقی مواد مخدر به «شهروند» گفت: «این محموله ها به قصد کشورهای اروپایی در فرودگاه کشف شد. بر اساس اطلاعات به دست آمده، رابط این قاچاقچیان در کشورهای اروپایی پس از دریافت این محموله ها، آنها را به آزمایشگاه های مجهزی منتقل و در نهایت همه مواد جاسازی شده در الیاف این کیف ها استخراج می کنند.» به گفته این مأمور پلیس، این مواد به چند برابر قیمت در کشورهای اروپایی به فروش می رسد و سود زیادی برای قاچاقچیان دارد.

این باند های قاچاق همچنین برای خارج کردن مواد مخدر از کفش های ورزشی مردانه و دمیایی های صنایع دستی استفاده می کردند. مواد مخدر به طرز ماهرانه ای



شهروند | چند محموله مواد مخدر از سوی پلیس شناسایی و کشف شد. مواد مخدر به طرز بسیار ماهرانه ای در کالاهای مختلف جاسازی شده بود. افرادی در قالب چند باند مختلف اقدام به قاچاق تریاک، شیشه، شیشه و ماری جوانا می کردند. این افراد با شگردهای خاصی این مواد را در مقادیر مختلف جاسازی و از طریق پست و به عنوان سوغاتی همراه مسافران از کشور خارج می کردند. تاکنون ۵ نفر در این ارتباط دستگیر شده اند، اما به گفته پلیس هنوز همه اعضای این گروه های قاچاقی مواد مخدر شناسایی نشده اند و تحقیقات در این باره ادامه دارد.

شگردهای به کار گرفته شده برای خروج مواد از کشور از سوی این قاچاقچیان عجیب و در عین حال بسیار ماهرانه بوده است. گروهی از این افراد کیف های صنایع دستی را به مواد مخدر آغشته می کردند. در واقع این افراد با آب کردن شیشه و تریاک کیف ها را که از جنس نخ هستند در این مواد قرار می دادند. جنس نخ این کیف ها باعث جذب این مواد می شد و این کیف ها همراه مسافران به عنوان بار با هواپیما به کشورهای اروپایی ارسال می شد. در ظاهر این کیف ها هیچ چیز



جاسازی شده بود. همچنین این باند ها بذر گیاه ماری جوانا را از هلند وارد کشور و پس از کشت این ماده مخدر آن را در قالب بسته های چای به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس ارسال می کنند تا از آن جا به اروپا برده شود.

اما دهن دیگری برای خارج کردن مواد مخدر از کشور به سراغ بسته رفته بودند. این گروه در پوشش صنایع دستی زینتی، حبشش را به طرز زیرکانه ای در قسمت های مختلف این کالاهای لوکس جاسازی و سپس به مقصد کشورهای اروپایی ارسال می کردند. محموله های این باند هم با همکاری اداره پست و پلیس مواد مخدر کشف شد و چند نفر هم در این ارتباط دستگیر شدند. یکی از مقامات بلند پایه پلیس که از نزدیک در جریان شناسایی و دستگیری این باند قاچاق مواد مخدر بوده، در این باره به «شهروند» گفت: «این جابه جایی و رفت و برگشت مواد مخدر به اروپا سود بسیار زیادی برای قاچاقچیان دارد. در حال حاضر تریاک در کشورهای اروپایی کیلویی ۷۰ میلیون تومان است، در حالی که این ماده مخدر در مرزهای شرقی کشور حدود ۲ میلیون تومان معامله می شود.»